****

**احمدبیگی، محمدیوسف،** (۱۳27- ۱۳99) آزاده و جانباز، خلبان هواپیمای شکاری- بمب‌افکن اف 4. بیستم فروردین، در روستای قلعه‏جعفربیگ از توابع شهرستان تویسرکان به دنیا آمد. پدرش محمدابراهیم، کشاورزی می‌کرد که برای یک زندگی بهتر، در 1342 راهی تهران و در سمنگان نارمک، موفق به ساخت یک مجتمع تجاری- مسکونی شد. با مهاجرت پدر به تهران، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران به اتمام رساند و با اخذ دیپلم ریاضی در آذر‌ 1348، در رسته همافری نیروی هوایی استخدام شد و مدتی در رشته الکترونیک درس خواند. به دلیل علاقه به پرواز، تغییر رسته داد و در سال بعد، وارد دانشکده خلبانی شد (مهرنیا،1390: 25). پس از طی دوره‏های مقدماتی نظامی، زبان انگلیسی و پرواز، در بهمن‌ 1350 به آمریکا اعزام شد و پس از تکمیل زبان تخصصی، برای دوره پرواز پایه و پیشرفته، به پایگاه ویلیامز در آریزونا عزیمت کرد و دوره آموزشی هواپیمای تی 41، جت تی 37 و جت فراصوت تی 38 را در اردیبهشت 1352 با موفقیت و نمرات ممتاز گذراند و با اخذ نشان خلبانی و درجه ستوان‌دومی به ایران بازگشت. ابتدا برای هواپیمای شکاری اف 5 و پس از طی دروس زمینی، برای آموزش کابین عقب هواپیمای اف 4 برگزیده شد و این دوره رزمی را در پایگاه هوایی مهرآباد تهران با موفقیت به اتمام رساند و در تیر 1353 به پایگاه هوایی شیراز منتقل شد (پرونده خدمتی). ستوان‏یکم احمدبیگی برای آموزش کابین جلویِ اف 4، در 1355 به پایگاه مهرآباد اعزام شد و پس از طی دوره، به پایگاه سوم شکاری (همدان) انتقال یافت. دوره معلمی کابین عقب را در خرداد 1357 در همان پایگاه طی کرد و در مهرماه همان سال، به درجه سروانی ارتقا یافت. دوره معلمی کابین جلو‌، با تحولات انقلاب اسلامی متوقف شد و او هم به صف انقلابیون پیوست (همان: 26 و اعظمی، 1397، ج 2: 7 و 9). سروان احمدبیگی از عناصر حزب‏الهی پایگاه سوم بود که هم‌زمان با تهذیب نفس، پای‌بندی به فرائض دینی، در مأموریت‏های شناسایی و مقابله با تجاوزهای پراکنده دشمن و پشتیبانی هوایی از نیروی زمینی ارتش در مصاف با ضدانقلاب در خطه غرب کشور، ازجمله پشتیبانی هوایی از رزمندگان در سنندج، پاوه و بانه شجاعانه مشارکت فعال داشت (رمضانی و دیگران، 1399: 135). 31 شهریور تا اول مهر 1359، در مسئولیت آماده پانزده‌دقیقه‌ای در آلرت مشغول بود و در عملیات روز اول مهر مجاز به شرکت نبود؛ اما از دوم مهر تا سه ماه، پی‌درپی علاوه بر انجام پروازهای گشت رزمی، به‌صورت داوطلبانه در مأموریت‌های پشتیبانی نزدیک هوایی و بمباران محل تجمع نیروها، توپخانه، ادوات زرهی و ... در جبهه‌ها و قطع خطوط مواصلاتی و عقبه دشمن؛ انهدام زیرساخت‏ها یا مراکز حیاتی و بمباران اهدافی ازجمله تلمبه‌خانه نفتی کا 2 در عمق خاک دشمن حضور فعال داشت (مهرنیا،1390: 26). در فرایند عملیات‏های انجام‌شده، قدرت آفندی دشمن گرفته شد و در مواضع ناخواسته، تن به توقف و رفتن در لاک دفاعی داد. با انهدام تلمبه‏خانه نفتی کا 2، صدور نفت عراق به‌شدت کاهش یافت و متوقف شد. دریکی از این مأموریت‌های خطیر به همراه ستوان‏یکم محمد کازرانی فراهانی (کابین عقب) پس از بمباران یکی از مراکز تسلیحاتی عراق، مورد اصابت یک فروند موشک پدافند هوایی دشمن قرار گرفت؛ ولی با همان وضعیت، هواپیمای صدمه‌دیده را علی‌رغم مجوز ترک اضطراری، در پایگاه همدان فرود آورد. پس از نشستن، متوجه ‏شدند بال هواپیما به‌شدت آسیب‌دیده و در داخل آن حفره‏ای ایجادشده؛ به‌گونه‌ای که به‌راحتی می‏توان داخل آن ایستاد (رمضانی و دیگران، 1399: 133). سروان احمدبیگی به‏هنگام اجرای آخرین مأموریت رزمی در 29/9/1359 و تک به بالگردهای پارک‌شده در زمین فوتبال و ورزشگاه شهر بدره عراق، مورد اصابت ضدهوایی دشمن قرار گرفت و همراه با کابین عقب خود ستوان‌یکم ایوب حسین‌نژادی، پس از ترک هواپیما، به اسارت درآمدند (نمکی عراقی و دیگران، 1398: 212). او بعد از اسارت، به استخبارات عراق در بغداد منتقل شد. یک ماه بعد به زندان ابوغریب و بعدها راهی زندان الرشید شد و در فهرست مفقودالاثرها بود. ده سال دوران اسارت را باصلابت طی کرد و همچون تعداد دیگری از خلبانان، کسی از سلامت او باخبر نبود تا اینکه در 24 شهریور 1369، دوران سخت اسارت را پشت سر گذاشت و با سربلندی بر خاک ایران اسلامی بوسه زد (مهرنیا،1390: 26). یک سال پس از رهایی از بند اسارت دشمن، در 1/7/1370 با درجه سرهنگی، به فرماندهی آموزش‌های هوایی شهید خضرایی منتقل شد و به سِمت رئیس هیئت آموزش نجات خدمه از مرگ انتصاب یافت. در 12/9/1370، به دریافت نُه ماه ارشدیت نائل آمد. به خاطر کارنامه درخشان در دفاع مقدس و دوران اسارت، از 13/12/1370 به هجده ماه ارشدیت مفتخر شد. در 1371، به شرکت هواپیمایی آسمان مأمور و در 1/7/1372 براساس ماده 108 ارتش، به‌عنوان جانباز شناخته شد و به درجه سرتیپ‌دومی ارتقا یافت. مجموع پرواز نامبرده تا قبل از اسارت، 1332 ساعت و ده دقیقه بوده است (رمضانی و دیگران، 1399: 135). محمدیوسف احمدبیگی در 1353 با سرکارخانم مهری مؤمنی ازدواج کرده بود و قبل از اسارت، صاحب یک فرزند دختر به نام مَه‏لقا شد و این بانوی نجیب علی‌رغم اینکه وضعیت اسارت همسرش در ابهام مطلق بود، به تربیت فرزندش ادامه داد؛ به‌گونه‌ای که در رشته حقوق تحصیل کرد و اکنون یکی از وکلای برجسته دادگستری است و پس از بازگشت همسرش، صاحب یک فرزند دیگر به نام علی شد که اکنون در رشته هنر مشغول تحصیل است. او افسری با‌تقوا و انسانی بسیار شریف بود و سرانجام در چهاردهم شهریور 1399 پس از سال‏ها درد و رنج، دیده از جهان فروبست و به برادر شهیدش، یعقوب احمدبیگی از افسران نیروی زمینی ارتش، پیوست و در قطعه صالحین بهشت‌زهرا(س) در تهران به خاک سپرده شد. (مصاحبه، محمدعلی اعظمی و سایت خبرگزاری ایران). **مآخذ:** اعظمی، محمدعلی، عقاب‌های رهیده از بند، ج 2، تهران: مرکز راهبردی، ستاد نیروی هوایی ارتش، 1397؛ پرونده خدمتی، معاونت عملیات، ستاد نیروی هوایی ارتش؛ رمضانی، رضا و دیگران، 110 شهاب ثاقب، تهران: مرکز راهبردی نیروی هوایی ارتش، 1399؛ سایت خبرگزاری ایران، مصاحبه، اعظمی، محمدعلی، هم‌رزم؛ مهرنیا، احمد، ستاره‌های نبرد هوایی، تهران: سوره‌ مهر، 1393؛ نمکی ‌عراقی، علی‌رضا و دیگران، تاریخ نبردهای هوایی دفاع مقدس، ج 6، تهران: مرکز، راهبردی نیروی هوایی ارتش، 1398.